

پیرامونی را پیرامون تبیین ویژگی‌های نخبگان براساس رهیافت قرآنی مطرح می‌کند. در این پژوهش، برخلاف نگرش رایج در جوامع غربی و مکتب نخبه‌گرایی که هدف از نخبگی را کسب قدرت و سلطه می‌داند، مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، نخبگی؛ موهبتی الهی است که بر اساس حکمت الهی تبیین شده و تنها با توانمندی فرد نخبه در جهت دهی به استعداد‌های الهی خویش برای هدایت مادی و معنوی انسان‌ها و در مسیر کسب رضایت الهی معنا می‌یابد.

## مرور ادبیات علمی

### مروری بر پژوهش‌های داخلی

در زمینه مطالعات مربوطه به خط‌مشی‌گذاری نخبگان مطالعات گوناگونی به انجام رسیده است که در ادامه به اهم این مطالعات و پژوهش‌ها که در داخل کشور به انجام رسیده، اشاراتی خواهیم داشت. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش «مدیریت راهبردی استعدادها جستاری در رویکردها، مسائل و مؤلفه‌ها» (مبینی دهکردی، طهماسب کاظمی، ۱۳۹۲) اشاره کرد که با روش فراتحلیل کیفی به بررسی مطالعات انجام گرفته در زمینه مدیریت راهبردی استعدادها پرداخته و در انتها راهکارهایی در جهت پرداخت بومی به این حوزه ارائه داده است. در مطالعه‌ای دیگر با عنوان «رویکردهای استعدادپژوهی در خط‌مشی‌های نخبگانی کشور» (علی پور، تسلیمی، ۱۳۹۸)، از راهبرد تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی در چارچوب پژوهشی اسنادی استفاده شده است. در این پژوهش هفت رویکرد به استعدادپژوهی مبتنی بر روش فراتحلیل پژوهش‌های پیشین احصا شده است که شامل رویکردهای «کلی فلسفی»، «تک‌عامله»، «چندعامله»، «شخص‌نگر»، «شاخص‌نگر»، «عام‌گرا» و «دامنه مبنا» است. یافته‌های این پژوهش بر غلبه «عام‌گرایی» و «شخص‌نگری» در خط‌مشی‌های نخبگانی کشور دلالت دارند. عام‌گرایی با تاریخ سیاسی و فرهنگ عمومی کشور سازگار است و در آن، فرد مستعد در قلمرو می‌تواند به‌منزله فردی مستعد در همه قلمروهای دیگر تصور شود. هرچند، تبیین غلبه شخص‌نگری با نوعی پیچیدگی همراه است؛ زیرا